

خارج الفقہ

۳۰-۱۰-۲-۱۴۰۲ فقه اکبر ۲

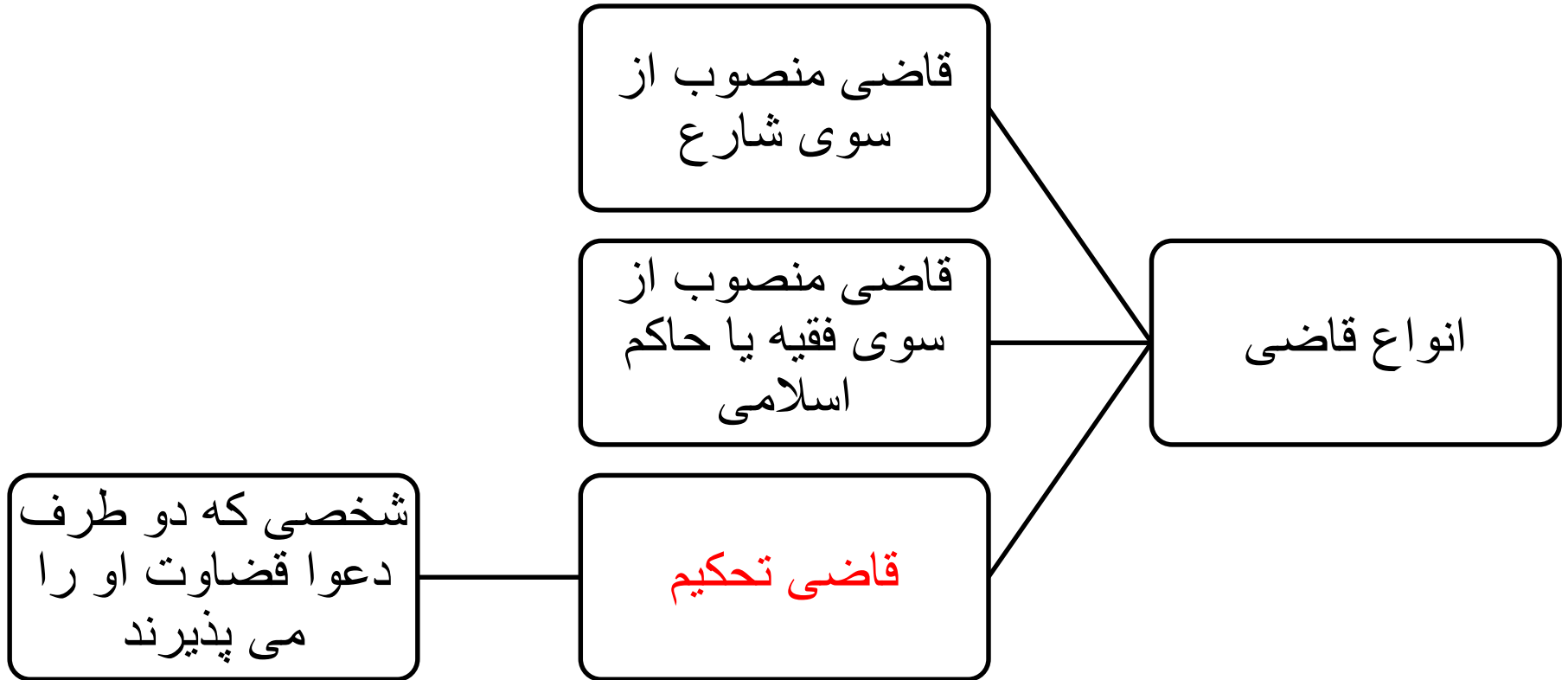
۵۵

(مکتب و نظام قضایی اسلام)

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

انواع قاضی



- فصل سوم: قاضی تحکیم

- آیا متخاصمان شرعاً می توانند به کسی که معصوم علیه السلام، یا فقیه جامع الشرائط او را به منصب قضا نصب نکرده اند، مراجعه کنند، به گونه ای که حکم او برای آنها، از دیدگاه شرع، نافذ و به منزله ی حکم قاضی منصوب باشد؟

قاضی تحکیم

- بدون شک، چنین شخصی شامل فقیه جامع الشرائط که از سوی حکومت اسلامی به منصب قضا گمارده نشده است، خواهد شد. زیرا هر چند او از سوی معصوم علیه السلام به این مقام منصوب است، ولی هنگامی که حکومت تشکیل شد و فقیه حاکم، تصدی امر قضا را به شکل کلی در دست گرفت، سایر فقها نمی توانند اقدام به راه اندازی محاکم مستقل و دادرسی کنند، مگر به عنوان قاضی تحکیم که در این بحث به آن خواهیم پرداخت.

قاضی تحکیم

- البته در فرض عدم حکومت اسلامی، مسأله ی قاضی تحکیم فقط به غیر فقیه جامع الشرائط مرتبط خواهد شد. در این حال، دو احتمال قابل تصور است:
- ۱. قاضی تحکیم واجد شرایط شرعی قاضی، یعنی عدالت، عقل، بلوغ، طهارت مولد و رشد (در امور مالی) باشد.
- ۲. قاضی تحکیم واجد این شرایط نیز نباشد.
- پس در بحث قاضی تحکیم، قضاوت سه گروه از افراد مورد بررسی قرار می گیرد:

قاضی تحکیم

- ا. فقیه جامع الشرائطی که در حکومت اسلامی به منصب قضا نصب نشده است.
- ب. شخصی که واجد شرایط شرعی قضاوت است و فقیه می تواند او را به منصب قضا نصب کند، ولی چنین امری صورت نگرفته است، خواه حکومت اسلامی وجود داشته باشد و خواه چنین نباشد.
- ج. شخصی که به دلیل فقدان شرایط، فقیه نمی تواند او را به منصب قضا نصب کند، خواه در فرض حکومت اسلامی خواه در فرض عدم آن.

- ادله ی اعتبار قضاوت قاضی تحکیم
- اگر از برخی استحسانات و وجوه ذوقی که در کلمات برخی فقها، به ویژه علمای اهل سنت، در باب قاضی تحکیم دیده می شود، (۱۳۴) بگذریم، ادله ای که برای نفوذ حکم چنین شخصی مطرح شده است، عبارتند از:

• اجماع

- صاحب جواهر می گوید: «با تأمل در همه ی آنچه بیان کردیم، بر تو آشکار می شود که دلیل مشروعیت تحکیم منحصر در اجماعی است که در این مورد ادعا شده است...» (۱۷۰) پس یکی از ادله ی نفوذ حکم قاضی تحکیم اجماع است.

- ولی شیخ انصاری می گوید: «ظاهراً علما اجماع دارند که در قاضی تحکیم همان شرایط قاضی منصوب از سوی معصومان علیهم السلام معتبر است.» (۱۷۱)
- اگر چنین باشد، به گفته ی شیخ انصاری، قاضی تحکیم در زمان غیبت معصومان علیهم السلام تصور نمی شود، (۱۷۲) زیرا تمام صاحبان شرایط مزبور از سوی آن حضرات علیهم السلام به این مقام منصوب شده اند.

- صاحب جواهر پس از نقل کلام مشابهی از شهید ثانی در مسالک می گوید: «مراد او از زمان غیبت شامل زمان امام صادق علیه السلام نیز می شود، زیرا نصب عام مجتهدان در زمان آن حضرت علیه السلام صورت گرفته است.» (۱۷۳) سپس ادامه می دهد: «قاضی تحکیم قبل از زمان امام صادق علیه السلام که در آن نصب عام نبوده است، تصور می شود مانند زمان رسول خدا علیه السلام.» (۱۷۴)

- ولی بلافاصله این احتمال را مطرح می کند که شاید نصب امام صادق علیه السلام مبتنی بر نصب های قبل از آن بوده و این امر از قبیل احکام شرعی مورد اتفاق بین امامان معصوم علیهم السلام بوده است، زیرا دلیل نصب مجتهد، ظهور در تمام زمان هایی دارد که از مراجعه به قاضیان حکومت جور منع شده است.

- یعنی در واقع هر گاه حکومت عدلی وجود ندارد، چنین نصب عامی هست، اگر چه در زمان امام صادق علیه السلام یا حتی قبل از آن. (۱۷۵)

- بی شک، در زمان تحقق حکومت اسلامی، اشخاص در صورتی امکان قضاوت خواهند داشت که از سوی فقیه حاکم برای این مقام به صورت خاص یا عام نصب شده باشد.

- یعنی گاه فقیه حاکم، فقهای خاصی را به عنوان قاضی نصب می کند و گاه به تمام فقها اجازه ی قضاوت می دهد. در هر دو صورت افراد مأذون می توانند اقدام به قضاوت کنند. هر چند طبق آنچه در بحث های قبل بیان شد، برای حفظ وحدت رویه باید همگی فتاوی رهبر یا کسی که او تعیین می کند یا قانونی را که او تأیید می نماید، رعایت کنند.

- افزون بر این، اجماع مزبور قطعاً یا احتمالاً مستند به همان دلایلی است که گذشت و معلوم شد که دلالتی در آنها وجود ندارد. از این رو، نمی تواند این اجماع به عنوان یک دلیل مستقل و معتبر مطرح شود.

- حاصل سخن
- با این وصف، دلیلی بر نفوذ حکم قاضی تحکیم وجود ندارد. بلکه ادله ای مانند آیه ی «فإن تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول» (۱۷۶) یا روایت «انما الحکومه... لنبی او وصی نبی» (۱۷۷) هرگونه قضاوت شخص فاقد نصب از سوی معصومان علیهم السلام یا منصوبان آنها را نفی می کند.

شرایط و صفات قاضی تحکیم

- فصل سوم: شرایط و صفات قاضی تحکیم
- در بحث های گذشته گفتیم اگر متخصصین به شخصی که بالفعل فاقد منصب قضاوت می باشد، مراجعه کنند و او را به عنوان قاضی برگزینند، حکم این قاضی که او را **قاضی تحکیم** می نامند، نفوذ شرعی ندارد و محکوم علیه، یعنی کسی که علیه او حکم شده است، می تواند به آن عمل نکند. (۴۴۳)

شرایط و صفات قاضی تحکیم

- با این وصف شرط یا صفت خاصی در قاضی تحکیم مطرح نیست و اشخاص فاقد منصب قضاوت همگی در این گروه قرار می‌گیرند. این اشخاص عبارتند از:
- ا. فقیه جامع الشرائطی که در حکومت اسلامی به منصب قضا منصوب نشده است.

شرایط و صفات قاضی تحکیم

- ب. شخصی که واجد شرایط شرعی قضاوت است و فقیه می تواند او را به این منصب منصوب کند، ولی چنین امری صورت نگرفته است، خواه حکومت اسلامی وجود داشته باشد و خواه چنین نباشد.

شرايط و صفات قاضی تحکيم

- ج. شخصی که به دليل فقدان شرايط، فقيه نمی تواند او را به منصب قضاوت منصوب کند، خواه در فرض حکومت اسلامی و خواه در فرض عدم آن.